



University of Tehran Press

A Comparative Study of the Restitution of Property Following the Voidness of the Contract under Iranian and French Law

Mohsen Rasoulia¹ | Abbas Karimi²

1. Department of Private Law, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: RasouliaMohsen@yahoo.com
2. Corresponding Author; Department of Private Law, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: abkarimi@ut.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Received: 2023/11/06</p> <p>Received in revised form: 2024/02/12</p> <p>Accepted: 2024/10/06</p> <p>Published online: 2024/12/21</p> <hr/> <p>Keywords: <i>Restitute of Object, Invalidity of Transaction, Function, Non - Benefits Exchequer, Exchequer Benefits.</i></p>	<p>Problem: Difference of opinions regarding the property restitution stems from inaccurate legislation or uncertainty of the legislator because of different opinions in jurisprudence in response to this question: assuming the existence and non-existence of the object considering the unjust remaining of the object in the recipient's ownership, is restitution of the object possible or a substitute can be demanded? Or is it appropriate to directly discuss about the price ?</p> <p>Aim: Using jurisprudence and comparative study with the new amendments of the French Civil Law 2016, it is mentioned that in case of the object existence, immediate restore of the property to the owner is necessary and in case of any defect, the holder is responsible. However, such an obligation is incumbent upon the property holder with ill will .</p> <p>Finding and Conclusion: In our jurisprudence and law, in cases where the restitution of the originally property is necessary, in case of loss and where the benefits are achievable, the price of the restitution day can be demanded instead of seeking the same property. If the property paid is in cash, it can be calculated according to the inflation rate from the day of receipt to the day of payment. Other damages can be compensated based on civil liability.</p>
How To Cite	Rasoulia, Mohsen; Karimi, Abbas (2024). A Comparative Study of the Restitution of Property Following the Voidness of the Contract under Iranian and French Law. <i>Comparative Law Review</i> , 15 (2), 549-571. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2024.365913.634558
DOI	10.22059/jcl.2024.365913.634558
Publisher	The University of Tehran Press



مقایسه نظام استرداد مال در بطلان معامله در حقوق ایران و فرانسه

محسن رسولیان^۱ | عباس کریمی^۲^۱. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: Rasulianmohsen@yahoo.com^۲. نویسنده مسئول؛ گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: abkarimi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۵</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۴</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: استرداد عین، بطلان معامله، توابع، منافع غیرمستوفات، منافع مستوفات.</p>	<p>مسئله: اختلاف آرا در خصوص استرداد مال، ناشی از عدم دقت در قانون‌نویسی یا عدم ثبات قانون‌گذار به دلیل وجود آرای مختلف در فقه است.</p> <p>سؤال این است که در فرض وجود عین و نبود آن، با توجه به اینکه بقای عین در دست گیرنده بلاجهت است، آیا فقط امکان استرداد عین وجود دارد یا می‌توان بدل مطالبه نمود و یا اینکه مستقیم به سراغ قیمت رفت؟</p> <p>هدف: با بررسی فقهی و تطبیق آن با متن بازنگری‌شده قانون مدنی فرانسه ۲۰۱۶، این نتیجه به دست آمده که در صورت وجود عین، لازم است تا سریعاً عین به مالک بازگردد و در صورت هر نقصی، دارنده مسئول نقصان است؛ گرچه در فرانسه چنین تکلیفی متوجه دارنده باسوءنیت مال خواهد بود.</p> <p>نتایج: در فقه و حقوق در مورد تکلیف به رد اصل مال در صورت تلف و نیز در شرایطی که منافع قابل تحقق باشد، می‌توان به جای مثل، قیمت روز استرداد را مطالبه کرد. نگارندگان این مقاله به این نتیجه رسیده‌اند، در صورتی که مال پرداخت شده پول باشد، با تحلیل موضوع پول می‌توان مطابق نرخ تورم از قبض تا روز ادا را محاسبه کرد و خسارت‌های وارده دیگر بر اساس مسئولیت مدنی قابل جبران است.</p>
استناد	رسولیان، محسن؛ کریمی، عباس (۱۴۰۳). مقایسه نظام استرداد مال در بطلان معامله در حقوق ایران و فرانسه. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i> ، ۱۵ (۲)، ۵۴۹-۵۷۱. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2024.365913.634558
DOI	10.22059/jcl.2024.365913.634558
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

خلأهای قانون‌گذاری نتیجه این امر است که احکام یا بیان نشده یا چنان به نظر روشن و شفاف است که قانون‌گذار آن احکام را در متن قانون درج نمی‌کند و یا شقوقی که بر اثر مرور زمان در حین اجرای قانون حادث می‌شود و قبل از آن به فکر قانون‌گذار خطور نمی‌کند؛ از جمله این موارد می‌توان به بحث استرداد مال در بطلان معامله اشاره نمود که سالیان متمادی موجب اختلاف در آرا گردیده است.

در رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ مورخ ۲۶ خرداد ۱۳۹۳، هیئت عمومی دیوان عالی کشور اقدام به تفسیر مواد ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۹۰ و ۳۹۱ قانون مدنی نمود که این تفسیر نیز خود نیاز به توضیح داشت که طی نظریه شماره ۷/۹۴/۴۰۶ مورخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۴ از سوی اداره کل حقوقی قوه قضائیه تبیین شد، لیکن تهافت آرای قضایی حکایت از عدم کفایت رأی وحدت رویه حتی با فرض تکمیل آن به وسیله نظر مزبور دارد.

تغییرات مهم در قانون فرانسه در سال ۲۰۱۶ سبب شد که به اختلافات میان رویه‌های قضایی و نظر حقوق دانان در تفسیر قانون با رویکردی عملگرایانه پایان داده شود؛ همین موضوع می‌تواند سرلوحه قانون‌نویسان ما در تکمیل و پایان بخشیدن به اختلافات میان رویه‌های قضایی و آرای استادان حقوق باشد، تا با حفظ نظام سنتی استرداد که همان بحث ضمان است، با ایجاد یک قانون یکپارچه کارا به اختلافات پایان دهند.

برای برون‌رفت از این اختلافات و نیز برای اینکه بتوان به شکل‌گیری این اصلاحات کمک کرد، بررسی و مقایسه نظام استرداد عین مال در حقوق ایران و فرانسه در صورت بطلان معامله و نیز مقایسه در خصوص استرداد منافع و توابع مال در مورد بطلان معامله در نظام حقوقی ایران و فرانسه ضروری به نظر می‌رسد.

۲. مقایسه نظام استرداد عین مال در بطلان معامله در حقوق ایران و فرانسه

در مقایسه نظام استرداد عین مال، دو سیستم حقوقی با دو فرض روبه‌رو می‌شوند؛ فرض اول ناظر به این امر است که در صورت وجود عین مال، استرداد عین چگونه خواهد بود و فرض دوم به این مسئله می‌پردازد که در صورت تلف مال، نظام استرداد عین مال چگونه برخورد خواهد کرد.

۱.۲. نظام استرداد عین مال در بطلان معامله در فرض وجود عین

در صورتی که کشف شود عقد فاسد بوده یا فساد آن از ابتدا معلوم بوده است، هرگاه مورد عقد از یک طرف به طرف دیگر تسلیم نشده باشد روشن است که نباید تسلیم گردد (امامی، ۱۳۷۴: ۴۷۰). اما هرگاه مورد عقد

۱. واضح است که در صورت تلف عین، دیگر صحبت از استرداد عین مال از باب مسامحه در تعبیر است.

تسلیم شده باشد، باید به طرفی که آن را تسلیم کرده است بازگردانده شود^۱؛ زیرا عقد فاسد اثری در تملیک یا ایجاد تعهد و رابطه حقوقی ندارد^۲ (ماده ۳۶۵ ق.م. و ملاک آن) و هیچ تملیک یا تعهدی جز در حدود قانون، اعتبار ندارد^۳ (انصاری، ۱۳۸۰: ۱۷۹). این عدم مالکیت ناشی از اقتضای فرض بطلان معامله است^۴ (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۰ و ۲۰۴)، اما در خصوص اینکه گیرنده مال به چه نحو ضامن است، جای بحث دارد (Mitchell, Mitchell, 2006: 50). بعضی از فقهای متقدم به تحقق ضمان گیرنده ادعای اجماع نموده (حلی، ۱۴۱۱ ق: ۲۸۵ و ۳۲۶)، تصریح کرده‌اند از نظر ضمانت چنان غصب است (حلی، ۱۴۱۱ ق: ۲۸۵ و ۳۲۶؛ کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۵۶) و در حقوق فرانسه، تأثیر بازگشت‌پذیری^۵ امری است که سابقه‌ای از حقوق روم دارد. بازگشت‌پذیری پذیرفته شده در فرانسه برخلاف رویه سده‌های اخیر در کامن‌لا است که مستردکننده صرفاً مکلف به بازگرداندن ارزش مالی بود و تکلیف به بازگرداندن عین نداشت؛ هرچند رویه دو دهه اخیر کامن‌لا به سمت بازگرداندن عین در صورت وجود آن، تمایل پیدا کرده است.

بنابراین، پس از اثبات مستحق‌الغیر درآمدن، مشتری می‌تواند استرداد ثمن را از بایع بخواهد، خواه آنکه مالک مبیع را مسترد داشته یا نزد مشتری باشد؛ زیرا استرداد ثمن، اثر بطلان عقد است^۶ (Guelfucci-Thibierge, 1992: 9) و مترتب به استرداد مبیع از طرف مالک نیست (امامی، ۱۳۷۴: ۴۷۱). در ماده ۱۱۷۸ بازنگری قانون مدنی فرانسه ۲۰۱۶ آمده است که عقد باطل گویی هیچ‌گاه وجود نداشته است و چنانچه ایفایی صورت گرفته باشد مطابق مواد پیش‌بینی شده (۱۳۵۲ و ۹-۱۳۵۲) موجب استرداد است^۷. دو نکته در این ماده در مورد موضوع بحث بیان شده است: نخست اینکه بطلان معادل نبود هرگونه آثار است و دوم اینکه استرداد مال ردوبدل شده مطابق قواعد معینی است که در ماده ۱۳۵۲ در خصوص موضوعی غیر از مبلغ پول با تحویل عین مال^۸ انجام خواهد شد.

۱. برای دیدن نظریات در کامن‌لا، نک:

Virgo, G. (2016). *The principles of the Law of restitution*. Oxford University Press, p. 5.

۲. این اصل در حقوق رومی با این بیان که آنچه باطل است نباید هیچ تأثیری ایجاد کند، بیان شده: *Quid nullum est nullum effectum producit*. طبق این قاعده سنتی، قرارداد باطل شده هرگز وجود نداشته است.

۳. اما عدم الملک فلانه مقتضی فرض الفساد.

۴. برای دیدن تخلفات در قرارداد که به اعلام بطلان در معامله در کامن‌لا منجر می‌شود، نک:

Burrows, A. (2011). *The Law of Restitution*. Third Edition, Oxford, p. 663.

5. Effet rétroactif

۶. در کامن‌لا دعوی *Proprietary restitutionary remedies* برای دعاوی مربوط به حقوق اموال و بودن دعوی *Personal restitutionary remedies* برای دعاوی دارا شدن ناعادلانه، نک:

Mitchell, C. (2006). *Landmark Cases in the Law of Restitution*. Oxford, p. 120.

7. Art. 1178, Ordonnance n° 2016-131 du 10 février 2016 portant réforme du droit des contrats, du régime général et de la preuve des obligations: "Un contrat qui ne remplit pas les conditions requises pour sa validité est nul. La nullité doit être prononcée par le juge, à moins que les parties ne la constatent d'un commun accord. Le contrat annulé est censé n'avoir jamais existé".

۸. قانون‌گذار فرانسه از لفظ *nature* استفاده کرده است که حقوق دانان آن را معادل «عین» در حقوق ما دانسته‌اند. برخی در

با این اوصاف چه در نظام حقوقی ایران و چه فرانسه هیچ شکی نیست که در صورت وجود عین، اصل مال باید بدون هیچ کاستی برگردانده شود (ماده ۱۳۵۲). البته به نظر می‌رسد این حکم یکی از قواعد حقوقی است^۱ و در داوری‌های بین‌المللی آرایه دیده می‌شوند که در آنها با توجه به بطلان قرارداد، حکم به استرداد داده شده و به اصل دارا شدن غیرعادلانه استناد شده است (صفائی، ۱۳۹۲: ۳۸۴).

با وجود این، مسئله مورد بحث در جایی است که به دلیل اقدامات فرد نقص یا زیادتی در مال ایجاد شده باشد (امامی، ۱۳۷۴: ۴۷۲). در این صورت ماده ۱-۱۳۵۲ بازنگری قانون مدنی فرانسه ۲۰۱۶ این گونه تنظیم شده که کسی که شیء را مسترد می‌نماید مسئول نقصان و خرابی است که موجب کاهش قیمت شیء گردیده است؛ مگر اینکه وی با حسن نیت بوده، یا این نقصان و خرابی ناشی از تقصیر وی نبوده باشد. قانون‌گذار فرانسه در اینجا به دنبال فرض تقصیر برای گیرنده بوده است؛ مگر آنکه وی عدم تقصیر یا حسن نیت خود را ثابت نماید و در ماده ۴-۱۳۵۲ این‌طور توضیح می‌دهد که هزینه‌هایی که وی در جهت افزایش قیمت شیء انجام داده باید محاسبه شود و همچنین مبالغی که برای حفاظت از عین انجام شده، قابل مطالبه است^۲.

در مقابل، بر اساس ماده ۳۶۶ قانون مدنی ایران، گیرنده در مورد تلف یا نقص، ضامن عین و منافع است و به موجب ماده ۳۹۲ در صورتی که در مبيع کسر قیمتی حاصل شود، فروشنده باید از عهده تمام یا بعض ثمن برآید. حکم این ماده در نظام حقوقی به تبع مبانی فقهی تحت عنوان ضمان درک تحلیل می‌شود. هرچند به نظر می‌رسد ضمان درک اختصاص به عقد فضولی (نعمت‌اللهی و سید علی روته، ۱۳۹۸: ۷۹۸) ندارد و در تمام مواردی که عقد فاسد است اجرا می‌شود و در سایر عقود معوض نیز جاری است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۲۷۳)؛ منتها در خصوص مفهوم ضمان در فرض نقص مال، قانون کاملاً ساکت است. حقوق دانان نیز کمتر به این موضوع پرداخته‌اند (شهیدی، ۱۳۹۳: ۸۲) و از آنجا که در ضمانت، بیع فاسد را همانند غصب می‌دانند، به عمومات غصب رجوع کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۰۱).

استدلال فقها در باب ضمان گیرنده چه عین باشد و چه منافع، مستند به ادله مختلف است. دلیل

حقوق فرانسه دعوی استرداد را به دو دسته *principle Larestitutiondu* (استرداد اصل) و *Larestitution complementaire* (استرداد تکمیلی) تقسیم کرده‌اند. همچنین دعوی استرداد اصل (*principle*) را شامل دو دعوی *Larestitutionparequivalent* و *Larestitutionparnature* دانسته‌اند و به تبع آن دعوی استرداد عین (*nature*) را به دعوی *La restitution à l'identique* و *Larestitution en genre* دسته‌بندی نموده‌اند؛ هرچند برخی استادان در حقوق ما متون را گونه‌ای دیگر ترجمه کرده‌اند (بزرگمهر، ۱۳۹۵: ۱۰۱).

۱. برخی آن را از آثار نظریه ضمان عوض می‌دانند (دیلمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۸۰۲).

۲. برای دیدن انواع دعاوی مربوط به استرداد در کامن‌لا که منجر به استرداد عین می‌شود، ر.ک.

Virgo, G. (2016). *The principles of the Law of restitution*. Oxford University Press, p. 4.

اول، روایت نبوی «علی الید ما اخذت حتی تؤدی» است. مفهوم روایت این است که هر کس چیزی می‌گیرد نسبت به آن متعهد است تا زمانی که آن را مسترد دارد (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۶۲). دلیل دوم، روایتی است که در آن شخصی کنیزکی خرید و با وی هم‌بستر شد و در اثر آن خداوند فرزندی به او عطا کرد. پس از مدتی فردی که خود را صاحب واقعی کنیزک می‌خواند، ادعا کرد که کنیزک وی را دزدیده و بدون اطلاع آن در بازار فروخته‌اند. امام در پاسخ این سؤال که پس از اثبات مطلب □ حکم آن چیست، فرمود: کنیزک از آن صاحب واقعی‌اش است و خریدار کنیزک پدر فرزند او به حساب می‌آید؛ وی می‌تواند فرزند خود را بگیرد و در برابر آن، قیمت او را به صاحب کنیز مسترد دارد. این حدیث مستند حکم بر استرداد منافع و ثمرات نیز می‌باشد (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۱۵؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۶۵). دلیل سوم، قاعده «کل عقد یضمن بصحیحه یضمن بفاسده» و «کل عقد لا یضمن به صحیحه لا یضمن بفاسده» معروف به «قاعده اصل و عکس» (بهرامی احمدی، ۱۳۹۴: ۲۵۱) است. بنابراین از مجموع این دلایل می‌توان اصل ضامن بودن فرد را اثبات کرد.^۱

افزون بر این، در خصوص ضرورت بازگرداندن مال^۲، فقها معتقدند در صورتی که شخص از بطلان معامله مطلع گردد باید هرچه سریع‌تر بدون فوت وقت مال دریافتی را به صاحبش بازگرداند^۳ و آن واجب فوری است (حلی، ۱۴۲۰ ق: ۴۹۵) که ظاهراً اختلافی در آن وجود ندارد (محقق اردبیلی، ۱۴۱۷ ق: ۱۹۲). همچنین اگر بازپس‌دهی کالا متوقف بر صرف هزینه باشد، بر مشتری لازم است همان‌گونه که بازپرداخت به او لازم است هزینه اجرای تکلیف نیز از باب مقدمه واجب، واجب است؛ مگر در مواردی که از حد افزون‌تر باشد که با توجه به قاعده نفی ضرر، این حکم برداشته می‌شود (محقق کرکی، ۱۴۱۰ ق: ۴۲۵). دلیل این نظر علاوه بر حدیث شریف «لا یجوز لاحد أن یتصرف فی مال غیره الا باذنه»، روایت «لا یحل مال امری مسلم لایحیه الا عن طیب نفسه» بیان شده و به استناد آنها به نظر مشهور، هزینه استرداد مال نیز به‌عهده کسی خواهد بود که مال در ید او است. شاید عدم ذکر هزینه‌های استرداد در ماده ۱۳۵۲ تا ۹-

۱. در کامن‌لا برای رفع این اشکال به سراغ نظریه قرارداد ضمنی رفته‌اند. برای مطالعه این نظریه، ر.ک.

Erbacher, Sh. (2002). *Australian Restitution Law*. Second Edition, Cavendish publishing, p. 7.

Barker K. & Grantham, R. (2018). *Unjust Enrichment*. Second Edition, Australia: LexisNexis Butterworths, p.1.9E.

۲. در کامن‌لا یکی از انواع استرداد، Disgorgment یا پس‌دادن اجباری است. برای مشاهده رابطه و مفاهیم آن و اجبار به

پس‌دادن و انواع آن، ر.ک. Birks, P. (1985). *An Introduction to the Law of Restitution*. Oxford, p. 22.

۳. در کامن‌لا برای اینکه تکلیف مال در ید خواننده دعوی استرداد مشخص شود، آن را به‌عنوان امین در نظر گرفته، با توجه

به قاعده امانت حکمی که فرد مکلف است مال را بازگرداند، اقدام می‌شود. برای مشاهده این نظریه و تحلیل‌های

پیرامون آن، ر.ک.

Birks, P. & Rose, F. (2000). *Restitution and Equity*. Vol. 1, USA: Kindle, p. 17.

۱۳۵۲ به دلیل همین استدلال باشد که موجب شده است قانون‌گذار فرانسه ذکر آن را لازم نداند که رویه قضایی به مرور زمان مشخص‌کننده اشکالات آن خواهد بود. اما مسئله در جایی مورد توجه است که امر مولد استرداد ناشی از سوء نیت یا تقصیر خواهان استرداد باشد و بطلان معامله به او نسبت داده شود که در این صورت به نظر می‌رسد تحمیل هزینه‌های استرداد به خواننده دعوی استرداد، عادلانه نباشد.

۲. نظام استرداد عین مال در بطلان معامله در فرض تلف عین

همان‌طور که قبلاً بیان شد، نظام استرداد عین مال در فرض تلف عین، مسامحه در تعبیر است؛ زیرا امکان استرداد درحالی که مال تلف شده است وجود ندارد و آن‌چنان که از متون فقهی برداشت شده، در صورت بطلان معامله، عبارت صحیح، ضمان فرد است که به صورت استرداد عین تحقق یافته، در صورت تلف عین با استرداد مثل یا قیمت ظهور پیدا می‌کند^۱ که با لفظ معادل بیان می‌شود؛ البته معادل اصطلاحی است که به کارگیری آن در حقوق فرانسه و کامن‌لا متفاوت است. معادل در اصطلاح حقوق استرداد در کامن‌لا شامل محاسبه پولی ارزش آن چیزی است که خواننده دارا می‌شود که در اکثر موارد به ارزش آن چیزی است که خواهان از دست داده است؛ در صورتی که در حقوق فرانسه، معادل ارزش عین است و بهره‌مندی از کالا و تغییر ارزش و هزینه‌های استرداد به‌عنوان استرداد تکمیلی لحاظ می‌گردد.

در ماده ۱۳۵۲ بازنگری قانون مدنی فرانسه ۲۰۱۶ در خصوص استرداد آمده است: «در صورتی که تحویل اصل مال ممتنع باشد، با تأدیه مبلغ ارزش تقویمی در روز استرداد انجام خواهد شد». این در شرایطی است که موضوع غیرپولی باشد، اما در خصوص پول، ماده ۷-۱۳۵۲ بیان می‌دارد: «استرداد مبلغ پول شامل تمامی بهره‌ها به مأخذ نرخ قانونی و تمام مالیات‌هایی است که توسط شخصی که شیء را دریافت کرده، تسویه شده است». البته ماده ۲-۱۳۵۲ این‌طور مقرر می‌کند: «شخصی که از روی حسن نیت مبیع را ابتیاع کرده باشد فقط ملزم است قیمت بیع را بپردازد، در صورتی که این شخص از روی سوء نیت (مبیع را) وصول کرده باشد وی مکلف است قیمت روز استرداد (یوم‌الاداء) را تأدیه نماید در صورتی که قیمت اخیر از قیمت بیع افزون باشد». با توجه به این مواد می‌توان گفت قانون‌گذار فرانسه در خصوص استرداد مال بین موردی که وجه نقد است و غیر وجه نقد، تفاوت قائل شده است (Dross, 2012: 235). در خصوص وجه نقد، همراه با تمام بهره‌ها به مأخذ نرخ قانونی و تمام مالیات‌ها است و در مورد سایر اموال، صرفاً قیمت ملاک عمل خواهد بود و دیگر بحث مثلی (Fréchette, 2017: 227) و

1. Unidroit principles, note 325, art. 3.2.15 (2): "If restitution in kind is not possible or appropriate, an allowance has to be made in money whenever reasonable». United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, note 326, art. 82 (1): «The buyer loses the right to declare the contract avoided or to require the seller to deliver substitute goods if it is impossible for him to make restitution of the goods substantially in the condition in which he received them».

قیمی پایان یافته تلقی می‌شود و قانون‌گذار با آوردن نرخ روز استرداد جهت ملاک قیمت، به مباحث آن نیز پایان می‌دهد؛ یعنی قانون‌گذار سعی کرده است با روش عملگرایانه در کوتاه‌ترین زمان، بیشترین و کامل‌ترین جبران را برای متضرر شناسایی کند. قانون‌گذار فرانسه به همان شیوه‌ای که در کامن‌لا سال‌ها قبل برای محاسبه در استرداد انجام می‌دادند تمایل پیدا کرده است تا بتواند موانع موجود در سرعت دادن بر استرداد را به‌عنوان یکی از بخش‌های اصل جبران کامل (کافی، فوری و مؤثر) (رسولیان، ۱۳۸۶: ۳۰) برطرف نماید؛ درحالی که در کامن‌لا، استرداد در بحث دارا شدن ناعادلانه خوانده مطرح است و هدف، محروم کردن خواننده از این دارا شدن می‌باشد.

در قانون مدنی ایران قانون‌گذار در مواد ۳۶۶ و ۳۹۲ صرفاً در خصوص بیع اظهار نظر کرده و استادان از آن قاعده کلی به‌دست آورده‌اند (شهیدی، ۱۳۹۳: ۸۲؛ کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۲۲۳). البته در خصوص عقود معوض همانند بیع یا عقود امانی، با قید تعدی و تفریط دارنده، می‌توان این حکم را صادر نمود.

همچنین با توجه به اینکه در مبانی فقهی، ضمان به معنای متعهد بودن شخص در قبال خسارت وارده به مال است، به مقتضای تعهد باید نسبت به آن جبران صورت گیرد. جبران در این موارد به سه صورت ممکن است: نخست، به‌وسیله پرداخت عوض جعلی (آنکه طرفین بر عوض بودن آن توافق داشته‌اند) که در عقود صحیح جبران است. دوم، به‌وسیله پرداخت عوض حقیقی و واقعی که در مثلیات مثل و در قیمیات قیمت می‌باشد. سوم، اقل الامرین (یعنی کدام‌یک از عوض جعلی و حقیقی کمتر است) (انصاری، ۱۳۸۰: ۱۸۳). قبل از شروع توضیحات در خصوص نظر اصلاح باید بیان نمود، همان‌طور که بعضی از استادان حقوق بیان کرده‌اند در مورد روابط طرفین بین عقود معوض که موجب مبادله مال یا عمل با مال یا عمل دیگر است و می‌توان آن را عقود ضمانی نامید و عقودی که چنین نیست و می‌تواند عقود امانی نام گیرد، باید تفاوت قائل شد. به بیان دیگر در عقود ضمانی، گیرنده مال مسئول رد و بدل مال تلف شده است، در صورتی که در عقود امانی این مسئولیت منتفی است؛ مگر اینکه متصرف مرتکب تعدی یا تفریط در آن مال شده باشد (شهیدی، ۱۳۹۳: ۸۱) که بر اساس دو قاعده اصل و عکس توجیه می‌شود. بنابراین برخلاف عقود معاوضی در عقودی مانند رهن، وکالت، مضاربه و عاریه‌ای که شرط ضمانت نشده، از آنجا که در صورت صحت شخص گیرنده ضامن نیست، در صورت بطلان عقد هم ضمانتی متوجه او نخواهد بود. در عقودی مانند اجاره بین فقها اختلاف نظر است. عده‌ای معتقدند در اجاره باطل، مستأجر ضامن نیست (حلی، ۱۴۱۳ ق: ۲۳۴ و ۳۱۸؛ طباطبائی، ۱۴۰۴ ق: ۸؛ محقق اردبیلی، ۱۴۱۷ ق: ۵۰) و گروه دیگر بیان می‌دارند مستأجر ضامن است (انصاری، ۱۳۸۰: ۱۸۳).

در خصوص اقسام سه‌گانه جبران باید یادآور شد که ضمان به‌طور مطلق و بدون قید و شرط به معنی عوض واقعی است. همان‌طور که در عاریه به شرط ضمانت بیان شد، در صورت تلف، پرداخت عوض

واقعی آن یعنی در مثلی، مثل و در قیمی، قیمت آن خواهد بود و ضمانت در آنجا به طور مطلق بیان شده و قیدی به کار نرفته و همچنین است در مورد ضمانت در مال غصب شده یا غصب نشده در مورد اتلاف که بیان می‌دارد: «من اتلف مال الغیر فهو له ضامن» که پرداخت عوض واقعی است (انصاری، ۱۳۸۰: ۱۸۴). در مقابل، عده‌ای از قضات رأی به عوض جعلی داده که به قاعده «لاضرر و انصاف قضایی» استناد کرده‌اند که بر مبنای این قواعد باید خسارت وارده به زیان دیده ناشی از فعل زیان بار به نحو واقعی جبران شود تا وی در زمان دریافت خسارت خویش قدرت خرید مثل مالی را که مستحق للغیر درآمده است، داشته باشد (شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی کاشان، ۱۳۹۵: شماره ۴۹۲-۳۰۰۵۷۳۶۵۷۳۰۹۹۷۳۶۵۷۳۰۹۵).

در مورد نظر علمایی که قائل به عوض جعلی هستند، بیان می‌شود که اطلاق واژه ضمان، مقتضی پرداخت عوض واقعی است و برای جبران خسارت به وسیله غیر از عوض واقعی، به دلیل دیگر جهت جبران نیاز است. پس در صورتی که در عقد صحیح طرفین به مبلغی که عوض واقعی نیست توافق کرده باشند، صرفاً عوض جعلی ضرورت خواهد داشت. برخی فقها این نظریه را بی‌اساس شمرده و بیان داشته‌اند که عوض واقعی لازم است و دو دلیل برای آن آورده‌اند: نخست، چون عقد فاسد است پرداخت عوض جعلی منافات با بطلان عقد دارد و دوم، جبران خسارت وارده به مال همیشه به پرداخت عوض واقعی ممکن است؛ جز در صورتی که به طریقی دیگر پرداخت آن مقرر گردد و چون عقد فاسد است و عوض جعلی نیز مورد تأیید نیست، پس دیگر نمی‌توان به آن استناد کرد (انصاری، ۱۳۸۰: ۱۸۵). به نظر می‌رسد در خصوص این بیان که «اگر کسی چیزی را به دیگری هدیه داده و با وی شرط نموده که او نیز متقابلاً چیزی را هبه نماید، اما قبل از اینکه طرف مقابل اقدام به هبه کند هدیه شخص اول تلف شود، گیرنده هبه به حکم هبه معوضه ضامن است، ولی در تعیین مبلغ که بر وی لازم است اقل الامرین ملاک است و برای به دست آوردن مقدار آن قیمت بازاری کالای هدیه شده و ارزش آنچه به عنوان عوض بوده ملاک باشد که کمترین آن پرداخت گردد» (شهید ثانی، ۱۴۱۶ ق: ۶۳). با توجه به دو دلیل بالا در خصوص عوض واقعی، باید آن را نیز مردود دانست. بنابراین آراییی که در معاملات باطل مخصوصاً مستحق للغیر در آمدن مبیع اقدام به محاسبه قیمت کالای فروخته شده می‌کنند، در دو نظام مطالعاتی مستندی نخواهد داشت.^۱ برای روشن شدن عوض واقعی باید بین مال مثلی و قیمی تفاوت قائل شد و هر کدام را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار داد.

۱. در کامن لا امکان توجیه به استناد قاعده داراشدن ناعادلانه شاید وجود داشته باشد؛ البته در جایی که بتوان دارا شدن را برای خواننده دعوی استرداد اثبات نمود. اما در فرانسه، ماده ۱۳۵۲-۶ صرفاً پول با تمامی بهره‌ها با مأخذ نرخ قانونی و مالیات‌ها محاسبه می‌شود.

۲.۲.۱. ضمان به مثل در فرض تلف عین در بطلان معامله

قاعده این گونه بیان شد که در صورتی که کالای دریافت شده مثلی باشد، برای گیرنده، پرداخت مثل آن ضرورت دارد (Fréchette, 2019: 233). بعضی علما مثل را «ماتساوت اجزاء من حیث القیمه» (اجزاء مختلف آن از نظر قیمت مساوی باشد) تعریف کرده‌اند و منظور از جزء آن است که اسم ماهیت بر آن صدق کند (Hamel, 1938-1939: 182). این تعریف و تعاریف دیگر ایراداتی دارند ولی مسلم است در تعریف مثل، یک تعریف عرفی ملاک خواهد بود.

از دلایلی که برای بازپرداخت مثل در مورد مثلی آورده شده، نخست عرف است؛ زیرا شارع در مورد غصب و دیگر موارد ضمان فقط از لفظ ضمان استفاده کرده و برای تبیین امر به نظر عرف اکتفا نموده است. دوم، آیه «فمن اعتدی علیکم فاعتدو علیه بمثل ما اعتدی علیکم» است؛ استدلال به این آیه به این نحو است که در پاسخگویی به تجاوز، تجاوز به مثل آن تأکید شده است. ایراداتی به این دلایل نیز آورده شده، اما مشهور، دادن مثل در مثلی است با توجه به صفاتی که در میزان گرایش و رغبت افراد نسبت به کالا باید لحاظ شود.

اگر مثلی از قیمتی که در حال اولیه داشته در زمان ادای آن بیفتد، آیا شخص متعهد است فقط مثل را بپردازد؟ جواب صریحی که علما داده‌اند با توجه به روایتی از امام رضا (ع) که می‌فرماید: «پرداخت دراهم را از نوع اولی که غیرمعتبر است واجب می‌داند» (حر العاملی، ۱۱۰۴ ق: ۲۰۶)، این است که فقط ضامن مثل می‌باشد و در جواب سؤالی که قیمت افزایش می‌یابد و تهیه مثل جز با پرداخت بهایی افزون‌تر امکان‌پذیر نیست، تعهد چه خواهد بود؟ دو صورت برای آن متصور شده‌اند که یکی زمانی است که بر اثر تورم و گرانی این افزایش قیمت ایجاد شده است و دیگری در صورتی که در انحصار یک فرد باشد؛ در صورت اول تهیه کالا به بهای جدید لازم است و در صورت دوم نیز اکثراً پذیرفته‌اند که باید کالا را به بهای جدید خریداری نماید. اما در مورد مکان تحویل نیز جمع کثیری از فقها به مکانی غیر از مکان تلف نیز قائل شده و استدلال نموده‌اند، به مقتضای عدالت اسلامی و ادله ضمان و اصول مذهب که احترام به مال مؤمن است، در هر مکانی ضمان مشمول می‌شود.

قانون‌گذار فرانسه در اصلاحات جدید خود آنچه مربوط به مثلیات بوده را کنار گذاشته و به سراغ قیمت رفته است.^۱ به نظر با توجه به ادله بیان شده در مثل که مهم‌ترین آن عرف است و فقها در توجیه قیمت بیان نمودند که در صورت نبودن مثل برای احراز مساوات و عدم مساوات ارزش یک کالا با کالای دیگر، آنها را به نقدین برمی‌گردانند (انصاری، ۱۳۸۰: ۲۱۹)، می‌توان دریافت که در صورت عدم امکان

۱. برای مطالعه این نظر در حقوق کبک، نک:

Fréchette, P.. (2017). *La restitution des prestations en droit québécois: fondements et régime*. Thèse de Doctorat. Québec: Université Laval, p. 238.

تحویل مثل، نزدیک‌ترین چیز به کالا از نظر مالیت تقدین است. با بیان این مطالب که عرف دلیل مراجعه به مثل است و عرف جامعه امروزی مبنای جبران را مثل قرار نمی‌دهد و در هر مورد ارزش کالا را با پول می‌سنجد، پذیرفتن نظر جدید قانون‌گذار فرانسه از منظر فقه شیعی بلاشکال خواهد بود و این مطابق است با آنچه که شارع از ضمانت صحبت کرده و فقها نیز ملاک را در مثلی و قیمی بودن به عرف واگذار نموده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۶ ق: ۱۸۸). سپس با توجه به اینکه عرف جامعه کنونی قیمت در مثلیات را می‌پذیرد، حقوق نیز باید تابع آن باشد.

از طرفی در بحث مثلی در صورت تعذر از مثل، ضمان به قیمت مورد پذیرش علما بوده است، اما دو وجه را برای آن ذکر کرده‌اند: یکی مطالبه مالک به قیمت که در این صورت کاملاً پذیرفته‌اند^۱ که ضامن باید قیمت را بپردازد، و دیگری در صورت عدم مطالبه مالک است که نظر مشهور عدم تبدیل بوده، که تا زمانی که مالک مطالبه نکند تبدیل انجام نمی‌شود و همچنان ضامن مثل خواهد بود. از طرف دیگر مطلب با این بحث که برای پرداخت قیمت چه زمانی ملاک است همراه بوده و برای توجیه آن، سه نظر ارجح، زمان تلف شدن (یوم التلف)، زمان تعذر از پرداخت مثل (یوم التعذر) و زمان پرداخت (یوم الدفع یا یوم الاداء) ارائه شده و برای دو نظر دیگر زمان مطالبه (یوم المطالبه) و بالاترین قیمت (اعلی القیم) (انصاری، ۱۳۸۰: ۲۲۸) این‌گونه در دو فرض استدلال شده است که فرض اول، تعهد شخص در قبال مثل (اول)، تا هنگامی که مالک مطالبه نماید و دوم، وی اقدام به پرداخت قیمت کند) باقی است و پس از آن تبدیل به قیمت می‌شود و فرض دوم، تعهد شخص در قبال مثل بلافاصله پس از ناممکن گشتن مثل، تبدیل به قیمت خواهد شد که در این فرض دو نظر وجود دارد که اول مثلی که در قبال آن قرار دارد تبدیل به قیمت می‌شود، و دوم اینکه خود کالای تلف‌شده تبدیل به قیمت می‌گردد (شهید ثانی، ۱۴۱۶ ق: ۱۸۹). در صورت پذیرش مبنای اول که تا هنگام مطالبه و پرداخت تغییر ماهیت داده، به قیمت تبدیل می‌شود، قیمت زمان پرداخت ملاک عمل خواهد بود و در صورت پذیرش مبنای دوم که پس از ناممکن شدن مثل قیمت به عهده ضامن می‌آید، می‌تواند قیمت زمان تعذر یا زمان اداء یا بالاترین قیمت باشد. در خصوص زمان پرداخت و محل آن و مواردی که تعذر محقق می‌گردد بین علما اختلاف زیادی وجود دارد (آل بحر العلوم، ۱۲۸۹ ق: ۱۴۰). همچنین در صورتی که بهای کالا بین محل مطالبه و تلف اختلاف داشته باشد، کدام ملاک خواهد بود نیز آرا متفاوت است.

قانون مدنی در ماده ۳۱۱ در مورد غصب بیان می‌دارد: «در صورتی که در غصب عین تلف شود باید مثل یا قیمت آن را بدهد»، اما در خصوص آنکه قیمت عین یا مثل باید پرداخت شود قانون مدنی ساکت است و

۱. در پرونده‌ای در فرانسه، دعوی یک شرکت نفتی برای اعاده مخازن دفن‌شده در زمین، تناقضاتی در این خصوص را نشان می‌دهد. نک: Paris, 28 février 1985, G. p. 1985.1.441.

در مورد اینکه قیمت چه زمانی ملاک پرداخت است، ماده ۳۱۲ از بین نظرهای مختلف نظر قیمت حین‌الاداء را مورد پسند قرار داده و برای موردی که مثل از مالیت افتاده، آخرین قیمت را انتخاب کرده است. با پذیرفتن نظری که اصل را در مثلیات □ قیمت می‌داند، باعث می‌شود تا رویه موجود در دادگاه‌ها که سال‌های متمادی است از پرداخت مثل صرف نظر کرده‌اند، تقویت شده، تبدیل به قانون گردد. همان‌طور که در کامن‌لا قبلاً پذیرفته شده و در فرانسه نیز در اصطلاحات جدید تبدیل به قانون (ماده ۱۳۵۲) شده است.

۲.۲.۲. ضمان به قیمت در فرض تلف عین در بطلان معامله

در مورد عقد باطل، اگر مورد معامله کالای قیمی باشد، پرداخت قیمت آن در صورت تلف عین لازم خواهد بود^۱ که دلیل آن روایات بی‌شماری بوده که در آن باب آمده است. از طرفی در مقابل نظر اکثریت^۲ که به ضمان قیمت در قیمیات نظر داده‌اند، عده‌ای از فقیهان (شیخ طوسی) ضامن را به پرداخت مثل محکوم می‌دانند و حتی عده‌ای این مطلب را چه در صورت تعدر به پرداخت قیمت و چه در مورد تیسر، آن (که تحویل مثل لازم است) را بعید ندانسته‌اند (انصاری، ۱۳۸۰: ۲۴۲). از طرف دیگر در مبنای تعیین قیمت اختلاف حادث شده است^۳ (شهیدی، ۱۳۹۳: ۱۴۱؛ عده‌ای رأی داده‌اند که زمان تلف مبنای تعیین قیمت است، زیرا تا پیش از تلف، ضامن ملزم به تحویل اصل کالا بوده و تنها در زمان تلف، انتقال به قیمت صورت می‌گیرد. به این نظر نیز ایراداتی وارد شده است و آرای مختلفی در این باب وجود دارد؛ هرچند از روایت ابی‌ولاد از امام صادق (ع) که حضرت فرمود: «باید کرایه استر از کوفه به نیل و کرایه نیل تا بغداد و بغداد تا کوفه را بپردازد و در صورت تلف به دلیل اینکه غاصب بودی قیمت استر از روز مخالفت با او» این‌گونه برداشت کرده‌اند که روز غصب ملاک است، ولی جواب‌هایی هم داده شده است که مخالف با یوم‌التلف نیست (انصاری، ۱۳۸۰: ۲۴۵). از سوی دیگر استناد به قاعده لاضرر و روایت

۱. برای مثال:

Guelfucci-Thibierge, C. (1992). *Nullité, restitutions et responsabilité*. Paris, L.G.D.J., note 39, n° 733.

برای مثال ماده ۱۷۰۰ قانون مدنی کبک:

La restitution des prestations se fait en nature, mais si elle ne peut se faire ainsi en raison d'une impossibilité ou d'un inconvénient sérieux, elle se fait par équivalent. L'équivalence s'apprécie au moment où le débiteur a reçu ce qu'il doit restituer.

۲. شیخ طوسی، محقق اول و ابن‌جنید اسکافی از طرفداران این نظریه هستند.

۳. به‌طور کلی در این مورد، نک:

Ghestin, J. et al. (2013). *La formation du contrat, tome 2 "L'objet et la cause – Les nullités"*, collection of "Traité de droit civil", Paris, LGDJ., note 7, n° 2923, p. 1588.

لازم به ذکر است که قانون حمایت از مصرف‌کننده ماده ۶۳ بند ۲ پیش‌بینی می‌کند که تاجر باید بیشتر از ارزش کالا و قیمت قرارداد را در صورت انعقاد با یک پیشه‌ور بازپرداخت کند.

ابی‌ولاد و اصاله الاشتغال یا استصحاب ضمان و دلایل دیگر عده‌ای را بر آن داشته است تا اعلی‌قیم را بپذیرند (شهید ثانی، ۱۴۱۶ ق: ۱۸۹).

با این اوصاف، سه نظر اصلی زمان قبض، زمان تلف و بالاترین قیمت را می‌توان نام برد و باید به آن زمان بیع را هم افزود^۱ که با توجه به نبود مستند و دلیل، عده‌ای از فقها (انصاری، ۱۳۸۰: ۲۵۷) بیان می‌کنند که شاید مقصود آنان زمان قبض است. البته تمام موارد بیان شده با توجه به نظر مشهور است که عوض واقعی را پذیرفته و قیمت کالای مورد تلف را لحاظ کرده است، نه عوض جعلی آن را؛ چنان که در رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ مورخ ۱۵ مهر ۱۳۹۳ بیان می‌کند: «به موجب ماده ۳۶۵ قانون مدنی، بیع فاسد اثر در تملک ندارد، یعنی مبیع و ثمن کماکان در مالکیت بایع و مشتری باقی می‌ماند و حسب مواد ۳۹۰ و ۳۹۱ قانون مرقوم اگر بعد از قبض ثمن مبیع کلاً یا جزئاً مستحق للغير در آید بایع ضامن است و باید ثمن را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری به وجود فساد، از عهده غرامات وارد شده به مشتری نیز برآید و چون ثمن در اختیار بایع بوده است و در صورت کاهش ارزش ثمن و اثبات آن با توجه به اطلاق عنوان غرامت در ماده ۳۹۱ قانون مدنی بایع قانوناً ملزم به جبران آن است». از آنجا که عبارات بد تنظیم شده، این ابهام را ایجاد کرده که آیا هیئت در تأیید این مطلب بوده که غرامات شامل کاهش ارزش ثمن است یا اینکه عوض جعلی ملاک است؟ به نظر می‌رسد مبالغ واقعی که شامل کاهش ارزش ثمن می‌شود ملاک بوده است و دلیل این مطلب با توجه به متن اصلی و شرح مذاکرات و استفتاء از علماست که به ارزش روز ثمن نظر داده‌اند (اداره کل آموزش روحانیون و تدوین متون فقهی، ۱۳۸۷: ۱۶۴) و اداره حقوقی نیز در نظر مشورتی شماره ۷/۹۴/۴۰۶ مورخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۴ این چنین توضیح داده است: «با توجه به اینکه رأی وحدت رویه ناظر به ثمن معامله است که حسب سوابق مربوطه ثمن وجه نقد بوده است، بنابراین محاسبه کاهش ارزش پول رایج می‌باید با توجه به ماده ۵۲۲ ق. آئین دادرسی در امور مدنی بر مبنای شاخص بانک مرکزی محاسبه گردد». اما به دلیل اینکه دقت کافی در به کار بردن عبارت انجام نشده، همچنان جای تفسیر باقی مانده است؛ پس آرای مخالف همچنان دیده می‌شود.

نکته قابل توجه این است که عوض جعلی بیان شده، به همان عوض مشخص شده در معامله باطل مربوط است و با عوض معامله بعدی از سوی خواننده دعوی استرداد تفاوت دارد. قانون‌گذار ایران برای تعیین تکلیف معاملات بعد از معامله اولیه که باطل بوده، ساکت است. در رویه قضایی، سالیان متمادی اقدام به ابطال معاملات بعدی می‌نمودند و آن را معامله فضولی قلمداد کرده، در صورت رضایت مالک اصلی می‌پذیرفتند. اما در سالیان گذشته با نفوذ نظر استادان حقوق مبنی بر تلف حکمی، در این صورت، حکم آن را می‌توان به موارد تلف ارجاع نمود و قیمت آن را از فروشنده به عنوان متلف مطالبه نمود.

۱. شیخ مفید، قاضی ابن براج و جلی از جمله فقهایی هستند که این نظر را پذیرفته‌اند.

قانون‌گذار فرانسه با پذیرفتن این نظر در ماده ۲-۱۳۵۲ بیان می‌دارد، شخصی که از روی حسن نیت مبیع را ابتیاع کرده، فقط ملزم است قیمت بیع را بپردازد و در صورتی که این شخص از روی سوء نیت مبیع را وصول کرده باشد مکلف است قیمت روز استرداد را تأدیه نماید؛ در صورتی که قیمت اخیر از قیمت روز بیع (مبیع) افزون باشد. بنابراین یک شرط را قانون‌گذار فرانسه برای ایجاد قیمت معامله و قیمت واقعی آن هم‌زمان با تأدیه مشخص کرده که آن بحث حسن نیت است که اگر شخص حسن نیت داشته باشد، عوض معامله است، ولی اگر حسن نیت نداشته باشد، بالاترین قیمت بین قیمت عوض معامله و قیمت واقعی زمان تأدیه خواهد بود. این موارد در جایی مطرح می‌شود که ثمن و مثن هر دو کالا هستند ولی در صورتی که ثمن پول باشد، صرفاً نرخ بهره قانونی طبق ماده ۶-۱۳۵۲ برعهده او خواهد بود.

۳. مقایسه نظام استرداد منافع و توابع مال در بطلان معامله در حقوق ایران و فرانسه

پس از بررسی اصل مال که در صورت بطلان معامله به چه نحوی استرداد می‌یابد، باید تکلیف منافع و توابع مال در مدت زمان بین قبض و روز اداء مشخص گردد که از آن کیست؟
قانون‌گذار فرانسه در ماده ۶-۱۳۵۲ و بخش تعهدات جدید قانون مدنی فرانسه می‌نویسد: «استرداد شامل منافع و قیمت منافع است که شیء ایجاد کرده است»؛ درحالی که قبلاً ماده ۵۴۹ قانون مدنی فرانسه منحصراً متصرف با سوء نیت، مسئول جبران منافع، آن هم فقط منافع مستوفات بود (شهیدی، ۱۳۹۳: ۱۴۶).
ماده ۳۶۶ قانون مدنی ایران نیز بیان می‌کند: «هر گاه کسی به بیع فاسد مالی قبض کند باید آن را به صاحبش رد نماید و اگر تلف یا ناقص شود ضامن عین و منافع آن خواهد بود». صراحت قانون‌گذار در هر دو سیستم، بر ضامن بودن منافع است و برای آن می‌توان دو صورت را تصور کرد؛ نخست منافع، و دوم توابع، که به بررسی آنها پرداخته می‌شود.^۲

۳.۱. نظام استرداد منافع مال در بطلان معامله

قانون‌گذار به صراحت ضامن منافع را بیان می‌کند، اما برای منافع دو صورت را می‌توان متصور شد: منافع برداشت‌شده و استفاده‌شده که به آن منافع مستوفات می‌گویند و منافی که مورد استفاده قرار نگرفته است که منافع غیرمستوفات نامیده می‌شود.

۱. نویسندگان فرانسوی بیشتر به موضوع محاسبه استرداد اشاره دارند؛ از جمله نک:

Malaurie, M. (1991). *Les restitutions en droit civil*. note 4, p. 144; Mercoli, S. (2001). *La rétroactivité dans le droit des contrats*. Aix-en-Provence, PUAM, note 28, n° 226, pp. 244-245).

۲. قانون‌گذار فرانسه از ثمرات (fruits) و بهره‌مندی (jouissance) - که برخی از حقوق دانان آن را منافع بیان نموده‌اند - نام برده است.

۳.۱.۱. نظام استرداد منافع مستوفات مال در بطلان معامله

همان طور که قبلاً بیان شد، در حقوق فرانسه ماده ۳-۱۳۵۲ منافع و قیمت آن را مشمول استرداد دانسته، بیان می‌دارد که در خصوص منافع استفاده شده، فقها اتفاق نظر دارند که یکی از آثار معامله باطل پرداخت عوض در برابر منافع برداشت شده است (حلی، ۱۴۲۰ ق: ۱۰۰) و برای استدلال به مواردی اشاره نموده‌اند؛ نخست به روایاتی که احترام مال مسلمان را ثابت می‌کند. دوم، ادله‌ای که تصرف در مال مسلمان را جز با رضایت او ممنوع ساخته است. سوم، ادله حرمت مال مسلمان همانند حرمت خون اوست. چهارم، ادله تزییع حق که هیچ کس جایز نیست حق دیگری را تزییع کند. پنجم، ادله نفی ضرر (انصاری، ۱۳۸۰: ۱۹۲). همان طور که قبلاً بیان شد، در صورت بطلان معامله، قابض حکم غاصب را دارد؛ پس همان طور که در غصب بیان شد، غاصب نسبت به منافع ضامن است و در عقد باطل نیز در خصوص پرداخت عوض در برابر منافع برداشت شده اتفاق نظر وجود دارد (خوانساری، ۱۴۰۵ ق: ۲۲۴). علاوه بر دلایل فوق به اجماع فقها اشاره شده است؛ هر چند نظر مخالفی (ابن حمزه) دیده می‌شود که بیان می‌کند هرگز شخص نمی‌تواند نسبت به منافع و عین هر دو ضامن گردد، یعنی جمع ضمانت منافع و ضمانت عین امکان ندارد.

در حقوق ایران در بین حقوق دانان در خصوص ضمانت از منافع مستوفات هیچ اختلاف نظری وجود ندارد و همانند غصب عمل می‌شود و ضامن باید قیمت آن را پرداخت نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۱۵؛ شهیدی، ۱۳۹۳: ۲۸). در صورتی که عین منفعت موجود باشد با رد عین منافع و در شرایطی که عین منافع موجود نباشد، قیمت در زمان تأدیه مبنای محاسبه خسارت خواهد بود.^۱

۳.۱.۲. نظام استرداد منافع غیر مستوفات در بطلان معامله

منافع غیر مستوفات منافی است که از آنها بهره‌برداری نشده و نظر مشهور فقها در ضامن بودن شخص است. این مطلب را می‌توان از این عبارت که در ضمانت «بیع باطل، همانند غصب است»^۲ برداشت کرد. در تأیید این نظر به دلایلی اشاره شده است: نخست، منافع مال جزء اموال است و متعلق به صاحب کالا است و از طرفی مال در ید گیرنده بوده، گیرنده هرگاه عین را أخذ نماید، بهره‌های آن را نیز گرفته است. همانند اجاره صحیح که به محض تحویل عین منافع نیز تحویل می‌شود و مستأجر باید عوض آن

۱. حقوق دانان فرانسوی بین محصولی که با ایجاد آن به اصل کالا خسارت زده می‌شود و منافی که باعث آسیب نمی‌شود، تفاوت قائل شده‌اند.

(J. L. Bergel & M. Bruschi et S. Cimamonti (2000). *Les biens*. Paris, L.G.D.J., n° 82bis, pp. 85-86).

۲. «ان البیع الفاسد یجری عند المحصلین مجری الغصب فی الضمان».

را بدهد. دوم، مال بودن منافع به اثبات رسیده، لذا به حکم قاعده احترام به مال مسلم، گیرنده کالا نسبت به آن ضامن است. اما در مقابل عده‌ای به مخالفت پرداخته و دلایلی را ذکر نموده‌اند: نخست اینکه عدم ضمانت مطابق اصل براءت است؛ یعنی اصل، براءت ذمه از ضمانت است. دوم، قاعده «مالا یضمن بصحیحه لا یضمن بفاسده» که در این صورت هر دو منافع مستوفات و غیرمستوفات را ضامن نخواهد بود، اما در منافع مستوفات به دلیل قاعده اتلاف مکلف به جبران است. سوم، روایاتی که در خصوص کنیزک ربوده شده که در آن از منافع استفاده نشده سخنی به میان نیامده است و حکم به ضمانت نداده‌اند و چهارم، روایت محمد بن قیس که در آن ضمانت منافع استفاده شده بیان شده است. و در خصوص موارد سوم و چهارم چون مربوط به غصب است، پس به طریق اولی در خصوص معامله باطل ضمانت نخواهد بود. با توجه به استدلال‌های آورده شده در مورد منافع غیرمستوفات پنج نظر وجود دارد: نخست اینکه گیرنده قطعاً نسبت به منافع برداشت نشده ضامن است که نظر مشهور است. دوم، گیرنده به‌طور مطلق نسبت به منافع برداشت نشده ضامن نیست (حلی، ۱۳۸۷ ق: ۲۳۳). سوم، گیرنده تنها در صورت آگاهی فروشنده از بطلان معامله ضامن است. چهارم، در صورت آگاهی فروشنده، باید از حکم نمودن خودداری کرد. پنجم، به‌طور مطلق باید توقف نمود.^۱

به نظر می‌رسد قانون‌گذار فرانسه با عدم بیان منافع غیرمستوفات، اقدامی همانند علمای ما در عدم بیان مطلب داشته است و سکوت قانون‌گذار فرانسه را می‌توان چنین برداشت کرد. از طرفی، می‌توان بیان نمود با آوردن منافع، منظور مطلق منافع بوده و هر دو منافع یعنی مستوفات و غیرمستوفات را شامل می‌شود؛ لذا باید دید در آینده رویه قضات فرانسوی به چه سمتی خواهد رفت. در میان حقوق دانان نظر ارجح این است که منافع غیرمستوفات همانند منافع مستوفات بوده، شخص ضامن آن خواهد بود (شهیدی، ۱۳۹۳: ۲۸ و ۱۳۵).

۲.۳. نظام استرداد توابع مال در بطلان معامله

فقها در خصوص استرداد توابع مال در بطلان معامله بحث جداگانه‌ای را مطرح نکرده‌اند و بیشتر آن را تابع عین مال می‌دانند. توابع یا جداشدنی است یا جدانشدنی، و در صورتی که جدانشدنی باشد، همراه عین بوده، حکم آن قبلاً بیان شد؛ چنانچه جداشدنی باشد، باز به نظر اکثریت همان وضع را خواهد داشت. البته عده‌ای توابع را منافع ذکر کرده‌اند و همان قواعد منافع را به آن بار نموده‌اند که به‌نظر صحیح نمی‌رسد. با توجه به ماده ۷-۱۳۵۲ بازنگری قانون مدنی فرانسه ۲۰۱۶، می‌توان بیان نمود که تکرار و تفکیک بر اساس سوء نیت و حسن نیت منافع و توابع را می‌توان برشمرد (Maitre-Arnaud, 2003: 290) و

۱. از جمله علامه در قواعد و محقق کرکی در جامع المقاصد.

قانون گذار قصد داشته تا با بیان تفاوت با ماده ۳-۱۳۵۲ که فقط استرداد منافع و ثمرات را بیان نموده است، اقدام به تفکیک کند^۱ تا در سوء نیت و حسن نیت فاصله زمانی میان دریافت برای معامله باطل و زمان درخواست از سوی خواهان استرداد را مشخص نماید که در این صورت شخص باحسن نیت در این فاصله مکلف به پرداخت بهره مندی خود از کالا نخواهد بود و تنها پس از مطالبه خواهان باید محاسبه شود. اما در سوء نیت از زمان دریافت تا زمان تأدیه قابل محاسبه است، ولی در قانون ما دلیلی مبنی بر آن وجود ندارد.

در خصوص خسارات وارده ناشی از بطلان که مشمول هیچ یک از موارد نمی شود، قانون گذار فرانسه در ماده ۱۱۲۸ بیان می دارد که صرف نظر از بطلان عقد، طرف زیان دیده می تواند خساراتی را که متحمل شده است مطابق قواعد مسئولیت مدنی درخواست کند. این به آن معناست که فردی که بطلان مستند به اوست و تقصیر کرده یا اینکه سوء نیت داشته است، مسئول جبران خسارات وارده بر زیان دیده خواهد بود. مؤسسه بین المللی یکنواخت سازی حقوق خصوصی نیز در ماده ۱۸-۳ خود بیان می دارد: صرف نظر از اینکه قرارداد ابطال شده است یا نه، طرفی که از دلیل ابطال آگاه بوده یا باید از آن آگاه می بوده، مسئول پرداخت خسارت است.^۲

در حقوق ایران به نظر بسیاری از استادان با توجه به وحدت مسئولیت قراردادی و مسئولیت قهری در مواردی که در قرارداد خسارتی به افراد وارد می آید، می توان خسارت را ناشی از مسئولیت قهری نیز دانست (صفائی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۹۵).

پس به طریق اولی در مواردی که به سبب بطلان معامله و نبود مسئولیت قراردادی، مسئولیت قهری ملاک عمل است، شخص واردکننده زیان با توجه به مسائل مربوط به ضمان قهری مسئول جبران خسارت خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۱۸). در فقه نیز بیان شده است که در صورت ورود خسارت به یکی از طرق اتلاف یا تسبیب، شخص واردکننده خسارت مسئول جبران خواهد بود. هر چند در فقه در خصوص عدم النفع، حکم به عدم ضمان داده شده که در آن نیز مسائل متعددی مطرح است، اما در مورد خسارت وارده با واسطه اتلاف یا تسبیب، اجماع بر ضمان خواهد بود.

در مورد هزینه های انجام شده اعم از هزینه های نگهداری، بهره برداری، استرداد و نیز تغییر ارزش و

۱. وضعیت قانون فرانسه در این مورد چندان روشن نیست، نک:

Ghestin, J.; M. Billieu et G. Loiseau (2005). Le régime des créances et des dettes, collection of "Traité de droit civil", Paris, Librairie de Générale de Droit et de Jurisprudence, note 7, n° 2903, p. 1565, note de bas de page 226.

2. Unidroit – Article 3. 18 (Dommages):

Irrespective of whether or not the contract has been avoided the party who knew or ought to have know of the ground for avoidance is liable for damages..

اضافات، آیا باید در دسته توابع مورد بررسی قرار گیرد یا به صورت مجزا بر اساس مسئولیت مدنی رسیدگی شود و یا بر اساس مقدمه واجب حکم به پرداخت گردد که نظریات مختلفی در خصوص آن ارائه شده است.

۴. نتیجه‌گیری

مسائل جدی و چالش‌های فراوانی در خصوص استرداد اموال در بطلان معامله وجود دارد. این موضوع در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه امری پذیرفته شده است که گیرنده مال مسئولیت دارد؛ به این ترتیب، هر دو نظام مقرراتی را برای حمایت از حق مالکیت اشخاص وضع کرده‌اند.

از یک سو با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه می‌توان نقش پررنگ حسن نیت را در بحث استرداد اموال (عین، منافع و توابع) دید؛ در صورتی که فقها بین استرداد مال در عقود امانی و عقود ضمانتی تفاوت قائل شده، با دادن ملاک □ عقود ضمانتی را در صورت باطل شدن □ همانند غصب شمرده و همان حکم را در مورد آن لازم دانسته‌اند و در خصوص عقود امانی، حکم به ضمان در صورت تعدی و تفریط داده‌اند. از سوی دیگر با توجه به تمایزات حقوق ایران با حقوق فرانسه نمی‌توان به تقلید ملاک‌های عملگرایانه اصلاحات جدید در بخش تعهدات قانون مدنی فرانسه پرداخت. با وجود این، به نظر می‌رسد اقدام قانون‌گذار فرانسه در بحث استرداد که در موارد تلف عین به سراغ قیمت رفته است، در مبنای فقهی ما جایگاه مستحکمی داشته است که این امر را قانون‌گذار فرانسه قرن‌ها بعد با اعمال اصلاحات درصدد اجرای آن است؛ درحالی که فقها علاوه بر اینکه مینا را عرف دانسته‌اند برای تعیین مثلی و ملاک آن به سراغ قیمت رفته‌اند، پس مراجعه به قیمت می‌تواند ملاک کاملی باشد.

به این ترتیب، شایسته است قانون‌گذار ایران با توجه به مبانی و منابع فقهی و با در نظر گرفتن تجربه قانون‌گذاری در کشورهای دیگر که به سمت اصلاح قوانین به صورت متونی کاملاً واضح و روشن با پرهیز از هرگونه اجمال و مبهم‌گرایی می‌رود، اقدام نماید و با تعیین قیمت که امری است که در عرف قضایی و در عمل نیز با توجه به نظر کارشناس انجام می‌پذیرد به این مناقشات با اضافه کردن چند ماده مجزا با عنوان شیوه‌های استرداد (ضمان) پایان دهد.

۱- در صورت وجود عین (با کیفیتی که عرف مشخصات عین را همان عین سابق در زمان امر ایجادکننده ضمان بداند)، با بازگشت عین محقق می‌شود. در صورت نقص در عین، حکم به استرداد عین با همان وضعیت صادر می‌شود.

۲- در صورت نقص کالا، جز در مواردی که مستردکننده امین یا در حکم امین بوده، مسئول استرداد مکلف است مابه‌التفاوت قیمت سالم و ناقص آن را در روز پرداخت محاسبه نماید.

- ۳- در صورت داشتن سوء نیت یا تقصیر در امر ایجادکننده استرداد، مستردکننده از شمول امین و در حکم امین خارج شده، مشمول غصب و در حکم غصب است؛ از زمان درخواست صاحب حق برای استرداد نیز همین حکم برای امین و در حکم امین مبنی بر غاصب یا در حکم غاصب بودن، جاری می‌شود.
- ۴- استرداد پول با محاسبه شاخص بانک مرکزی در روز استرداد از زمان درخواست انجام می‌شود، مگر در موارد غصب و در حکم غصب که از زمان تحقق آن محاسبه می‌گردد.
- ۵- در صورت عدم امکان تحویل یا تلف کالا، استرداد به صورت قیمت کالا (با وضعیت موجود در زمان استرداد) در زمان استرداد محاسبه می‌شود (صدور حکم به استرداد با محاسبه در روز استرداد در اجرای احکام است).
- ۶- در بطلان معامله، در صورتی که مستردکننده در ایجاد عامل استرداد، تقصیر یا سوء نیت داشته باشد، خواهان استرداد می‌تواند خواستار قیمت جعلی (توافق شده ضمن معامله باطل) باشد؛ در این صورت، محاسبه قیمت جعلی با شاخص بانک مرکزی از تاریخ معامله تا زمان استرداد خواهد بود و در غیر این صورت قیمت واقعی کالا در روز استرداد ملاک عمل است.
- ۷- در صورت انتقال مال به ثالث با حسن نیت، خواهان استرداد می‌تواند مطابق قواعد عقد فضولی، رضایت خود را نسبت به هریک از معاملات بعدی اعلام نموده، استرداد به پرداخت ثمن معامله اجازه داده شده انجام شود. در صورت عدم رضایت یا عدم شناسایی و کشف واقع از قیمت معامله شده، ملاک محاسبه همان قیمت واقعی کالا در روز استرداد است.
- ۸- معاملات انجام شده در صورت حسن نیت خریدار، با تحقق ظهور نوعی، در حکم تلف است.
- ۹- استرداد شامل منافع و ثمرات با همان کیفیت بیان شده در عین (یعنی در صورت وجود عین ثمرات و منافع، بازگرداندن عین آنها؛ و در صورت تلف، بازگرداندن ارزش آن) انجام می‌شود؛ با این توضیح که در صورتی که کالایی به مرور زمان در اثر استفاده کاهش ارزش پیدا کند، میزان ارزش گذاری منافع و ثمرات با توجه به قیمت گذاری عین با وضعیت زمان روز استرداد یا زمان ایجاد امر موجب استرداد لحاظ می‌شود.
- ۱۰- میزان ارزش گذاری منافع مستوفات از زمان استفاده یا زمان درخواست (هرکدام که زودتر باشد) محاسبه می‌شود و در مورد منافع غیرمستوفات از زمان درخواست استرداد خواهد بود. در هر صورت، چنانچه خواننده دعوی استرداد در ایجاد موجب استرداد □ سوء نیت یا تقصیر داشته باشد، زمان محاسبه از تاریخ ایجاد عامل موجب استرداد خواهد بود.
- ۱۱- هزینه‌های استرداد برعهده مستردکننده است، مگر در مواردی که خواهان استرداد سوء نیت یا

تقصیر داشته باشد که در این صورت، هزینه‌های استرداد برعهده وی خواهد بود. هزینه‌های نگهداری برعهده خواهان استرداد است، مگر در مواردی که مستردکننده سوء نیت یا تقصیر در موجب استرداد داشته باشد.

هزینه‌های بهره‌برداری با توجه به نوع هزینه و محاسبه آن در میزان قیمت‌گذاری منافع و ثمرات محاسبه می‌شود و در صورت نبود قاعده خاص، برعهده منتفع خواهد بود.

۱۲- در صورتی که در حین معامله باطل و وثیقه یا تضمینی برای انجام تعهد اخذ شده باشد، تا زمان استرداد همانند عقد صحیح پابرجا خواهد بود.

۱۳- اضافات انجام شده در صورتی که به صورت عین مجزا باشد که در حین جداسازی به کالای اصلی مورد حکم استرداد، آسیب نزنند، قابل جداسازی است؛ در غیر این صورت ملحق به عین خواهد بود و مستردکننده حق مطالبه ارزش آن را جز در مواردی که خواهان استرداد سوء نیت یا تقصیر داشته باشد، نخواهد داشت.

منابع

الف) فارسی

– کتاب‌ها

۱. انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۸۰). مکاسب. جلد دوم، چاپ دوم، قم: دارالحکمه.
۲. امامی، سید حسن (۱۳۷۴). حقوقی مدنی. جلد اول، چاپ پانزدهم، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۳. بزرگمهر، امیرعباس و مهرانی، غزال (۱۳۹۵). اصلاحات در قانون تعهدات فرانسه. چاپ اول، تهران: دانشگاه عدالت.
۴. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۴). قواعد فقه. جلد اول، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). محشی قانون مدنی. چاپ سوم، تهران: گنج دانش.
۶. شهیدی، مهدی (۱۳۹۳). اصول قراردادهای و تعهدات. چاپ ششم، تهران: مجد.
۷. صفائی، سید حسین (۱۳۹۲). حقوق مدنی و حقوق تطبیقی. چاپ سوم، تهران: میزان.
۸. صفائی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۴). مسوولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد). چاپ هشتم، تهران: سمت.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). قواعد عمومی قراردادهای. جلد دوم، چاپ ششم، تهران: سهامی انتشار.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶). عقود معین. جلد اول، تهران: گنج دانش.
۱۱. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳). قواعد فقه. چاپ سیزدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

– مقالات

۱۲. اداره کل آموزش روحانیون و تدوین متون فقهی (مهر و آبان ۱۳۸۷). چگونگی پرداخت ثمن در صورت مستحق للغير در آمدن مبیع. *نشریه پیام آموزش*، (۳۴)، ۱۶۴-۱۷۱.
۱۳. دیلمی، احمد؛ حیدری سورشجانی، اعظم؛ دادمرزی، سیدمهدی (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی شروط و آثار ضمان عوض در حقوق ایران و اسلام و نظریه علت در نظام رومی-ژرمنی. *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، ۱۴ (۲)، ۷۸۷-۸۰۶.
۱۴. نعمت‌اللهی، اسماعیل و سیدعلی روته، مریم (۱۳۹۸). بررسی خسارت نفع‌محور ناشی از نقض قرارداد در کامن لا و حقوق ایران. *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، ۱۰ (۲)، ۷۸۳-۸۰۳.

– پایان‌نامه

۱۵. رسولیان، محسن (۱۳۸۶). *اصل جبران کامل (کافی، فوری، موثر) خسارت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. به راهنمایی دکتر هدایت‌الله سلطانی نژاد، قم: دانشگاه قم، دانشکده حقوق، تاریخ دفاع: ۱۳۸۶/۰۶/۳۰.

– رأی

۱۶. دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۳۶۵۷۳۰۰۴۹۲ به تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۴، صادره از شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی کاشان.

(ب) عربی**– کتاب‌ها**

۱. آل بحرالعلوم، سید محمدتقی (۱۴۰۲ ق). *بلغه الفقیه*. چاپ چهارم، تهران: مکتبه الصادق.
۲. حرالعالمی، شیخ محمدبن الحسن (۱۴۱۴ ق). *وسائل الشیعه*. جلد هجدهم، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۳. حلی، علامه ابن منصور حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۳۸۷ ق). *ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد*. چاپ اول، قم: اسماعیلیان.
۴. حلی، علامه ابن منصور حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ ق). *قواعد الاحکام*. چاپ اول، قم: نشر اسلامی (جامعه مدرسین).
۵. حلی، علامه ابن منصور حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰ ق). *تذکره الفقهاء*. جلد اول، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۶. حلی، فخرالدین ابو عبدالله محمدبن منصوربن احمد (۱۴۱۰ ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. جلد دوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۷. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ ق). *جامع المدارک*. تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصادق.
۸. طباطبائی، سید علی (۱۴۰۴ ق). *ریاض المسائل*. جلد دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.

۹. طوسی، شیخ ابی جعفر محمدبن حسن (۱۳۸۷ ق). *المبسوط فی فقه الامیه*. جلد دوم، تهران: المکتبه المرتضویه.
۱۰. طوسی، شیخ ابی جعفر محمدبن حسن (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام*. جلد هفتم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. شهید ثانی [عاملی جعی]، زین الدین بن نورالدین علی بن احمد (۱۴۱۶ ق). *مسالك الافهام*. جلد دوم، چاپ اول، قم: مؤسسه معارف الاسلامیه.
۱۲. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵). *الكافی*. جلد پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. محقق اردبیلی، احمد (۱۴۱۷ ق). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*. جلد دهم. قم: نشر اسلامی (جامعه مدرسین).
۱۴. محقق حلی، ابوالقاسم جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید حلی (۱۴۰۹ ق). *شرايع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد دوم، چاپ دوم، تهران: استقلال.
۱۵. محقق کرکی، علی بن حسین بن عبدالعالی کرکی جبل عاملی (۱۴۱۰ ق). *جامع المقاصد*. جلد چهارم، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت.

(ج) انگلیسی

- Laws

1. Unidroit principles, note 325, art. 3.2.15 (2).
2. United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods.

- Books

3. Barker, K. & Grantham, R. (2018). *Unjust Enrichment*. Second Edition, Australia: LexisNexis Butterworths.
4. Birks, P. (1985). *An Introduction to the Law of Restitution*. London: Oxford.
5. Birks, P. & Rose, F. (2000). *Restitution and Equity*. Volume 1, USA: Kindle.
6. Burrows, A. (2011). *The Law of Restitution*. Third Edition, London: Oxford.
7. Erbacher, S. (2002). *Australian Restitution Law*. Second Edition, New York: Cavendish publishing.
8. Mitchell, C. & Mitchell, P. (2006). *Landmark Cases in the Law of Restitution*. Oxford: Hart.
9. Virgo, G. (2016). *The principles of the Law of restitution*. Oxford: University Press.

(د) فرانسه

- Lois

1. Ordonnance en 2016-131 du 10 février 2016 portant reforme du droit des contrats, du régime général et de la prévue des obligations. (In French)
2. Unidroit, art. 3.18 (Dommage).
3. United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, note 326, art. 82 (1).

- Livres

4. Bergel J. L., & Cimamonti S. (2000). *Les biens*. Paris: L.G.D.J.
5. Dross, W. (2012). *Droit des biens*. Paris: Montchrestien.
6. Guelfucci-Thibierge, C. (1992). *Nullité, restitutions et responsabilité*. Paris: L.G.D.J.
7. Ghestin, J. et al. (2005). Le régime des créances et des dette. Collection of "Traité de droit civil". Paris: Librairie de Générale de Droit et de Jurisprudence.
8. Ghestin, J; Loiseau G; et Serinet, Y.-M. (2013). La formation du contrat, Tome 2, "L'objet et la cause – Les nullités". Collection of "Traité de droit civil", Paris, LGDJ.
9. Hamel, J. (1938-1939). *Recherches sur la théorie juridique de la monnaie*. Paris: Les Cours de Droit.
10. Malaurie, M. (1991). *Les restitutions en droit civil*. Paris: Cujas.
11. Mercoli, S. (2001). *La rétroactivité dans le droit des contrats*. Aix-en-Provence: PUAM.

- Thèse

12. Fréchette, P. (2017). *La restitution des prestations en droit québécois: fondements et régime*. Thèse de doctorat, Québec: Université Laval.
13. Maitre-Arnaud, É. (2003). *La rétroactivité dans le contrat*, Thèse de doctorat, Paris: Université Panthéon-Assas (Paris II).

-Vote

14. Paris, 28 février 1985, G.P. 1985.1.441.